

در جستجوی

زمان از دست رفته

مارسل پروست

بازنویسی برای تئاتر
هارولد پینتر/دای ترویس



ترجمه

عباس پژمان

رستاخیز خاطرات

با آنکه در جستجوی زمان ازدست‌رفته از شاهکارهای مسلّم دنیای رمان و از قلّه‌های رفیع آن است، کمتر کسی می‌تواند خواندن آن را تا آخر ادامه دهد. اکثر کسانی که خواسته‌اند این اثر را بخوانند فقط یک یا دو جلد آن را خوانده‌اند. خواندن کامل این اثر وقت زیادی می‌برد و با دقت و تأنی هم باید خوانده شود. اما چیزی که هست، زیبایی اصلی این اثر هم فقط در صورتی بر خواننده مکشوف خواهد شد که کلیت آن را بخواند، و عدّه کسانی که این زیبایی را در هر سال "گشف" می‌کنند خیلی خیلی کم است.

کلیت در جستجوی زمان ازدست‌رفته ساختاری مثل ساختار خواب دارد. راوی این رمان گذشته‌ای فراموش شده را به یاد می‌آورد. اما این گذشته تکه تکه زنده می‌شود و در ذهن او شکل می‌گیرد، بدون آن ترتیب زمانی‌ای که قبلاً با یکدیگر داشته‌اند. یعنی در واقع نحوه به یاد آمدن آنها از همان قانونی پیروی می‌کند که بر حوادث و صحنه‌های خواب حاکم است. صحنه‌ها و حوادث خواب هم، که عمدتاً خاطراتی از عالم بیداری هستند، آن تقدم و تأخر قبلی خود را از دست می‌دهند. در عالم خواب فقط شباهتهای کوچک حاکمیت دارند. گاهی که در خواب صحنه‌ای را می‌بینیم که شباهت کوچکی با یک صحنه دیگر دارد، به علت همین شباهت کوچک، این صحنه دوم را هم در دنبال آن می‌بینیم. خاطرات راوی رمان پروست هم براساس همین شباهتهای کوچک در ذهن او زنده می‌شوند. برای همین است که بعد از خواندن کامل آن احساس خواهی کرد که یک «خواب» بزرگ را خوانده‌ای.

هارولد پینتر ساختار در جستجوی زمان ازدست‌رفته را در تلخیص خودش

حفظ کرده است و با ایجاز اعجاب‌انگیزی، که از مشخصه‌های بارز هنر او در دنیای تئاتر و نمایش است، بسیاری از صحنه‌های مشهور و حوادث مهم اثر پروست را هم در این تلخیص خودش آورده است. هرچند که پینتر در جستجوی زمان از دست رفته را برای نمایش بازنویسی کرد، و فی‌الواقع آن را در سال ۲۰۰۰ و در تئاتر سلطنتی لندن بر روی صحنه هم برد، اما آن کتاب در این اقتباس هم ماهیت رمان بودن خود را از دست نمی‌دهد. کسانی که اصل اثر پروست را به طور کامل خوانده‌اند روح و ساختار آن را در اثر پینتر هم باز خواهند یافت.

یکی از ابتکارات پینتر در این اثر استفاده از ایجازهایی است که بسیاری از صحنه‌های رمان پروست را با "خیال" (ایماژ) نشان می‌دهند، که البته همه هم طوری است که می‌شود آنها را در تئاتر هم بازآفرینی کرد.

اما فقط نوآوریهای تکنیکی و بدعتهای زوایی نیست که در جستجوی زمان از دست رفته را به یکی از شاهکارهای بزرگ دنیای رمان تبدیل کرد. در جستجوی زمان از دست رفته رمان بزرگ «عشق»، یا حتی بزرگترین رمان «عشق»، هم هست. در سرتاسر آن سخن از عشق و احساسات عاشقانه است در صورتها و حالت‌های مختلف آن. اودت خطاب به مارسل می‌گوید:

می‌دانم که نویسنده‌ای. آخ که چه چیزهایی می‌توانم به تو بگویم. و چه مصالحی در اختیارت بگذارم. به عشق علاقه داری؟ منظورم این است که درباره عشق می‌نویسی؟ بگو مگر جز عشق چیز دیگر هم هست که درباره‌اش بنویسم؟

از بعضی از انواع مذموم و ننگ‌آور عشق هم در این اثر صحبت می‌شود که آشکار است که مارسل پروست آنها را به عنوان انحرافات زشت و مرض‌آلود مطرح می‌کند و هرچقدر که عشق‌های طبیعی صورتهای لطیف و زیبایی پیدا می‌کنند انواع غیرطبیعی آن مضحک و نفرت‌انگیز است. در واقع همان‌طور که مشهور است، فقط روانشناسی عشق مورد نظر نویسنده است و نه آن چیزهایی که از حد احساسها و حالت‌های روحی عشق فراتر می‌رود.